

در طی چند سال اخیر بتدریج بر عده موسسات دوبلاژ فیلم فارسی افزوده شده و ضمناً به تعداد کسانی که بزبانهای خارجی آشنائی دارند اضافه گردیده و در نتیجه ساختن سینما و نمایش فیلم بیش از پیش گسترش یافته است.

لازم بنظر نیست که هرچه فعالیت سینمایی هنری زیاده‌تر شود و بخصوص مراجع غیر تجارتمندی (مانند اداره کل هنرهای زیبا) کادر هنری و فنی خود را توسعه دهند، کار تحقیق در باره اینکه آیا توسعه سینما چه نتایجی درین مملکت پیار خواهد آورد آسان‌تر خواهد شد، اینست که برای نگارنده فعلاً مقصود نیست در باره اثرات مثبت یا منفی سینما در روی مردم ایران مطلبی اظهار کنم و پس از ذکر این مقدمه یکی از کشور های خارجی را بعنوان نمونه انتخاب و روی آن وارد بحث می‌شوم، شکی نیست که اگر کشور های متحده آمریکا بدین منظور انتخاب شود آنطور که باید و شاید نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد زیرا آمریکا کشوری است بی نظیر و بزرگ و پر جمعیت غنی و از هیچ لحاظ با کشور ما قابل مقایسه نیست همینطور شوروی که دران فیلم بیشتر جنبه تعلیم و تبلیغ دارد تا تفریح و وقت گذرانی. در کشورهای کوچک آسیائی مشابه ایران نیز هنوز مطالعاتی صورت نبر گرفته است که ملاک عمل قرار گیرد از اینرو نگارنده انگلستان را انتخاب می‌کند و این انتخاب را بدلائل زیر مجاز می‌داند.

۱ - از لحاظ سینما و تهیه فیلم و تماشای لایق و خوب انگلستان از کشورهای درجه اول جهان است و الحقیق در این راه نقش مهم رهبری را بنوبه خود بر عهده داشته و دارد.

۲ - از لحاظ جمعیت، وسعت و درجه تمدن و قدرت اقتصادی يك واحد متوسط درجه اول است که می‌تواند سرمشق خوبی برای ملل عقب افتاده باشد.

۳ - کتب و مراجع زیادی در دسترس شخص محقق قرار می‌گیرد زیرا انگلیسها هم کتابهای خوبی تهیه و منتشر می‌نمایند و هم به تهیه آمارها و مطالب مستند معتقدند، نویسنده این سلسله مقالات از چندین کتاب و مجله مختلف انگلیسی و امریکائی استفاده می‌کند که بوقوع خود اسامی آنها را ذکر خواهد نمود.

### فیلم : یکی از عوامل تحول

اگر بخواهیم عوامل تحول و پیشرفت تمدن در عصر حاضر فقط از جنبه پیشرفت معنویات و توسعه افکار جدید نگاه کنیم دچار اشتباه شده ایم و این مسئله بخصوص در مورد عراق و مسائل تبادل افکار بیشتر صادق است، زیرا در عصر ما بطوری این عوامل تجارتی شده و با منافع مادی عده‌ای آمیخته شده که اصولاً نمیتوان آنها را بدون توجه بمنافع اقتصادی اداره کنند گانشان مورد بحث قرار داد.



امروز سینمای یکی از عوامی ترین و جالب ترین تفریحات بشر شده بطوریکه میتوان عصر جدید را عصر سینما نامید، بخصوص در کشور ما ایران و شهر ما تهران توسعه سینما کاملاً محسوس است و شدت علاقه مردم باین سرگرمی بعدی است که گاهی نظام عمومی را مختل می‌سازد، در حالیکه عده‌ای کینه توزی می‌کنند و برای نمایش فیلم جز تلف کردن وقت مردم و گمراه ساختن جوانان ارزشی قایل نیستند، عده‌ای نیز بقدری دراهمیت نقشی که سینما در بالا بردن سطح افکار عمومی بازی می‌کند غلو میکنند که همین امروز فردا خواهند گفت بهتر است وزارت فرهنگ بجای مدرسه سینما بسازد، درین میان عده بیشتری به تماشای فیلم ابراز علاقه می‌کنند و برای تهیه بلیط ساعت‌ها در انتظار می‌ایستند و گاهی آنرا بچند برابر قیمت عادی می‌خرند و حتی بعضی از افراد يك فیلم را پنج شش بار تماشا می‌کنند.

در این حال نباید فراموش کرد که در کشور ما اکثریت کامل و قطعی را کسانی تشکیل میدهند که حتی هنوز یکبار هم سینما نرفته‌اند، بنظر نگارنده اظهار نظر قطعی در باره سینما و مردم و تعیین ارزش سینما در اجتماع امروز ما کار ساده‌ای نیست و بدون دردست داشتن آماری صحیح که در نتیجه تحقیقات عمیق بدست می‌آید در این باره نمیتوان اظهار عقیده نمود، تهیه این قبیل آمارها نیز متأسفانه در کشور ما هنوز حتی شروع هم نشده و آنچه ملاک خوبی و بدی فیلمهاست فقط درآمد فیلم و تعداد شبانه‌ایست که نمایش داده شده آنچه مسلم است اینست که عده‌ای از مردم کشور، امروز فهمیده‌اند که سینما فقط برای تفریح نیست و لااقل يك تفریح آموزنده است، هستند کسانی که ارزش فیلمهای خوب را درک میکنند.

این تحول که در حقیقت یکی از مظاهر کوششهای بهبودی حکیمانه بشر امروز است در مورد سایر رشته‌های از قبیل افکار نیز صادق است و نمیتوان آنرا منحصر بسینما دانست. ماشین‌های جدید چاپ (لینو) روزانه چندین میل مربع از اراضی جنگلی را برای تهیه کاغذ درو می‌کنند و هر سال هزاران داستان جدید که هر یک سدها از نسخه چاپ میشود بعرض انتشار گذارده میشود، ایستگاههای متعدد رادیوی انگلستان روزی چهل ساعت برنامه تفریحی و آموزشی تهیه می‌کنند در نیویورک روزانه متجاوز از صد ساعت برنامه برای تلویزیون تهیه می‌گردد ولی تئاتر و موسیقی آنطور که باید بموازا چاپ و سینما و تلویزیون و رادیو توسعه نیافته اند مثلا در سراسر انگلستان تعداد کسانیکه در یک هفته بسینما میروند از تعداد کسانیکه در طی سال به تئاتر میروند بیشتر است. تئاتر نمیتواند صنعتی شود و مثل سینما جنبه تولید و عمومی Mass production پیدا کند ولی فیلم اینطور شده است و جنبه صنعتی آن بیش از جنبه هنری اش می باشد.

در طی سالهای اخیر و بخصوص پیش از تعمیم تلویزیون عده زیادی از مردم بخصوص از باب مطبوعات در باره سینما و ارزش آن غلو کردند و همین تپ همینکه تلویزیون اختراع و عمومی شد آنرا بر سینما مقدم دانسته گفتند تلویزیون بزرگترین عامل رفاه عصر حاضر است، در کشورهای متحده امریکا که بزرگترین مرکز تهیه فیلم بشمار میرود و مردمش بیش از مردم سایر نقاط فیلم و سینما علاقه دارند همیشه تلویزیون اختراع شد و تعمیم یافت از تعداد سینما رها (۸۸ میلیون نفر در هفته) چهل درصد کاسته شد بدیهی است علت این نقصان توسعه تلویزیون و توجه مردم باین وسیله جدید بود ولی وضع اینطور نمائند و بتدریج از باب صنایع سینمایی در صد بر آمدند که با ابتکارات و اقدامات جدید مقام از دست رفته را باز یابند، فیلمهای جدید با مضامین گراف در نواحی طبیعی و اصلی تهیه شد و «والد دیزنی» که بزرگترین تهیه کننده فیلم در عصر حاضر است و بیش از هر شخصیت هنری دیگر موفق باخذ جوایز سینمایی شده است دست تهیه شاهکارهایی زد که لازمه تهیه آن صرف سالها وقت و ملیونها دلار پول در اختیار داشتن صدها متخصص بود (مانند: زندگی صحرا و انهدام غلزارها که در سراسر جهان مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت.)

بدیهی است اختراع تکنیکهای جدید فیلمبرداری نیز اقدام دیگری برای مبارزه با تلویزیون بود و باین ترتیب در طی سالهای اخیر بار دیگر عده سینما رها بمیزان چند سال پیش رسید ولی نباید تصور کرد که از ارزش تلویزیون چیزی کاسته شده، بطوریکه امروز بطور متوسط در کشورهای متحده امریکا هر نفر روزانه سه ساعت مشغول تماشای برنامه‌های تلویزیون است، در حقیقت هر چه زمان میگذرد مردم وقت بیشتری را برای تماشای برنامه‌های تلویزیون و مشاهده فیلمهای سینمایی اختصاص میدهند. بخصوص که استفاده از

برنامه‌های تلویزیون بسادگی امکان پذیر بوده، احتیاجی بشرفات و مضامین اضافی ندارد و هر خانواده‌ای که دارای یک درآمد متوسط باشد قادر است که یک دستگاه تلویزیون تهیه کند.

بهر صورت بسینما هم مانند سایر عوامل یکی و فقط یکی از عوامل مهم تغییر و تحول رسوم و آداب اجتماعی و پیشرفت جوامع مختلف بشری است و نباید فراموش کرد که هنوز عده زیادی از مردم اصولا بسینما نمیروند و با آن علاقهای ندارند در صورتیکه در شرایط کنونی کمتر کسی وجود دارد که رادیو نداشته باشد و با حداقل برادیو گوش ندهد، در انگلستان طبق یک آمار رسمی در سال ۱۹۵۴ متجاوز از ۱۴ میلیون جواز رادیو صادر شده بود یعنی هر سه نفر یک رادیو داشته‌اند بدیهی است عده زیادی نیز رادیو داشته و حوصله جواز گرفتن را نداشته‌اند، روزنامه نیز بتوبه خود یک وسیله تبادل افکار کم خرجی است که بسادگی و در همه جا در اختیار توده مردم قرار میگیرد.

در گذشته سینما رفتن اختصاص بیک طبقه خاص داشت و طبقات عالی اجتماع سینما رفتن را تحقیر کرده آنرا مطابق شئون طبقات پایین میدانستند ولی بتدریج از عده این طبقه کاسته شد و تعداد کسانیکه در اثر وضع بد اقتصادی قادر بسینما رفتن نبودند رو بقرمان نهاد بطوریکه امروز طبقه جوان یعنی نسل حاضر، سینما رواست و نسل آینده یعنی بچه‌های امروز عاشق سینما هستند متأسفانه فیلم سازها و صاحبان صنایع سینمایی سلیقه اکثریت مردم را که همان بچه‌ها یا بچه‌های بزرگ شده (بامغزهای توسعه نیافته بچگانه) هستند در نظر گرفته کمتر بفکر تهیه فیلمی که حقیقتا مورد پسند بزرگترها و طبقه دانشمند جهان باشد می‌افتند

در انگلستان نیز عوامل متعددی از جمله توسعه تلویزیون از تعداد سینما رها کاسته سال ۱۹۴۶ (با ۳۱٫۴ میلیون اجازه هفتگی مشاهده فیلم) در تاریخ سینما انگلستان سال «ما کریسم» است و از این سال بعد بتدریج از تعداد سینما رها کاسته شد ولی بالاخره برقم ثابتی رسید بامارزیر توجه کنید

سال	تعداد بلیط‌های فروخته شده در هفته	نسبت بجمعیت کل
۱۹۴۶	۳۱٫۴ میلیون نفر	۰٫۷۶
۱۹۴۹	۲۷٫۵ میلیون نفر	۰٫۶۵
۱۹۵۱	۲۶ میلیون نفر	۰٫۶۲
۱۹۵۴	۲۵ میلیون نفر	تقریبا ۰٫۶۰

(جمعیت انگلستان ۴۲ میلیون نفر در نظر گرفته شده است) بطوریکه ملاحظه میفرمائید در طی سه سال از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ در حدود ۴ میلیون نفر از تعداد کسانیکه در هفته بسینما میروند کاسته شده، در حالیکه در سه سال مشابه از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ فقط یک میلیون از این تعداد کاسته شده و به نسبت کل جمعیت در سه سال اول ۱۱ ر. و در سه سال دومی فقط ۲ ر. کاسته شده و در طی سالهای اخیر عدد ۲۵ میلیون در هفته ثابت مانده است